

غفلت ۳۶: غفلت زدایی - ۶- تفکر (قسمت چهارم)

انواع تفکر (بخش دوم)

۵- تفکر در عاقبت دیگران

۵/۱- هر نفسی در گرو عمل خود

تفکر در حال سابقین از اهل دنیا که با تمام خوبی‌ها و بدی‌ها، خوشی‌ها و ناخوشی‌ها، امیدها و آرزوها، عشق‌ها و دل‌بستگی‌ها و... اکنون در زیر خروارها خاک آرمیده‌اند و همه‌ی آن‌ها، هر کدام تنهای تنها، جدای از همه‌ی اشخاص و آمال و آرزوها، فقط در گروی عمل خویش هستند.

«كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ - هر نفسی در گرو عمل خویش است» (مدرثر/۳۸)

۵/۲- گمراه شدن دیگران توسط شیطان

وَ لَقَدْ أَضَلَّ مِنْكُمْ جِبَلًا كَثِيرًا أَ فَلَمْ تَكُونُوا تَعْقِلُونَ

او (شیطان) گروه زیادی از شما را گمراه کرد، آیا اندیشه نکردید؟! (یس/۶۲)

۵/۳- سیر در زمین و دیدن عاقبت قبلی‌ها

وَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُوحِي إِلَيْهِمْ مِنْ أَهْلِ الْقُرَىٰ أَ فَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا
كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا أَ فَلَا تَعْقِلُونَ

و ما نفرستادیم پیش از تو، جز مردانی از اهل آبادی‌ها که به آن‌ها وحی می‌کردیم!
آیا (مخالفان دعوت تو)، در زمین سیر نکردند تا ببینند عاقبت کسانی که پیش از آن‌ها بودند چه شد؟! و سرای آخرت برای پرهیزکاران بهتر است! آیا فکر نمی‌کنید؟! (یوسف/۱۰۹)

«حسن صیقل گوید: از امام صادق علیه‌السلام درباره‌ی آن چه مردم روایت می‌کنند

که:

"یک ساعت اندیشیدن بهتر از عبادت یک شب است" پرسیدم

و گفتم: چگونه بیندیشد؟

فرمود: از خرابه یا خانه‌ای که می‌گذرد بگوید: ساکنینت کجايند؟ سازندگان

کجايند؟ چرا سخن نمی‌گویی؟» (الکافی ج ۲ ص ۵۴)

۶- تفکر در مرگ

تفکر در مرگ و سختی‌های آن و عالم قبر و برزخ و قیامت و صراط و میزان و بهشت و جهنم و هول و هراس‌های آن، که به زودی گریبان همه‌ی ما را خواهد گرفت.

اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَالَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا فَيُمْسِكُ الَّتِي قَضَىٰ عَلَيْهَا الْمَوْتَ وَ يُرْسِلُ الْأُخْرَىٰ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ

خداوند ارواح را به هنگام مرگ قبض می‌کند، و ارواحی را که نمرده‌اند نیز به هنگام خواب می‌گیرد سپس ارواح کسانی که فرمان مرگ‌شان را صادر کرده ننگه می‌دارد و ارواح دیگری را (که باید زنده بمانند) بازمی‌گرداند تا سرآمدی معین در این امر نشانه‌های روشنی است برای کسانی که اندیشه می‌کنند! (زمر/۴۲)

۷- تفکر قبل از سخن و عمل

امیرمؤمنان علی علیه‌السلام فرموده‌اند: «أصلُ السَّلامِ مِنَ الرَّكْبِ الفِكرُ قَبْلَ الفِعلِ وَ الرَّوْيَةُ قَبْلَ الكلامِ - ریشه‌ی سالم ماندن از گناهان و لغزش‌ها، اندیشیدن قبل از عمل کردن و سنجیدن پیش از سخن گفتن است.» (میزان‌الحکمه، ج ۱۰ ح ۱۶۱۸۵)

۸- تفکر در حسنات و سیئات

۹- تفکر در صفات و افعال الهی

عالم بزرگ اخلاقی جناب ملا مهدی نراقی (ره) درباره‌ی فضیلت تفکر و نقش بازدارنده‌ی آن نسبت به گناهان چنین فرموده‌اند:

«امیرالمؤمنین علیه‌السلام فرمود: تفکر انسان را به نیکی و عمل به نیکی می‌خواند... تفکری که امیرالمؤمنین علیه‌السلام درباره‌ی آن می‌فرماید: انسان را به نیکی می‌خواند، گاهی تفکر در حسنات و سیئات است و گاهی تفکر در صفات و افعال الهی است. در قسم اول انسان در مورد حسنات خویش می‌اندیشد که کاملند یا ناقص آیا به پای بدی‌های او می‌رسند یا نه، از شرک و شک خالص هستند یا آلوده به شرک و شک می‌باشند. چنین تفکری حتماً انسان را به اصلاح و جبران نواقص می‌خواند. همچنین هنگامی که در بدی‌ها و عقوبت‌هایی که به دنبال دارند و دوری از خدا که ثمره‌ی آن‌هاست تفکر می‌کند، این تفکر او را به خودداری از گناه و تدارک آن‌ها به وسیله‌ی ندامت و توبه می‌خواند.

در قسم دوم تفکر در صفات و افعال الهی چون لطف و احسان او به بندگان با نعمت‌های کامل و گسترده، با تکالیفی که همه در حد طاقت انسانند، تفکر در این که او به خاطر اعمال کوچک و ناچیز بندگان وعده پاداش بزرگ و ستایش نیکو فرموده، زمین و آسمان و هر چه را بین آنهاست مسخر بشر نموده. چنین تفکری انسان را به نیکی و عمل به نیکی خوانده او را به طاعات ترغیب، و از معصیت‌ها باز می‌دارد.»

(ترجمه‌ی جامع‌السعادات، ص ۴۴۱)

برخی آیات تفکر

عاقبت تفکر نکردن جهنمی شدن است

تَكَادُ تَمَيَّرُ مِنَ الْعَيْظِ كُلِّ مَا أُلْقِيَ فِيهَا فَوْجٌ سَأَلَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ * قَالُوا بَلَىٰ قَدْ جَاءَنَا نَذِيرٌ فَكَذَّبْنَا وَقُلْنَا مَا نَزَّلَ اللَّهُ مِن شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ كَبِيرٍ * وَ قَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ (ملک/ ۸ تا ۱۰)

نزدیک است (دوزخ) از شدت غضب پاره پاره شود هر زمان که گروهی در آن افکنده می‌شوند، نگهبانان دوزخ از آن‌ها می‌پرسند: «مگر بیم‌دهنده الهی به سراغ شما نیامد؟!» * می‌گویند: «آری، بیم‌دهنده به سراغ ما آمد، ولی ما او را تکذیب کردیم و گفتیم: خداوند هرگز چیزی نازل نکرده، و شما در گمراهی بزرگی هستید!» * و می‌گویند: «اگر ما گوش شنوا داشتیم یا تعقل می‌کردیم، در میان دوزخیان نبودیم!»

بی‌فکرها بدترین کسانی‌اند

إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصَّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يُعْقِلُونَ

بدترین جنبندگان نزد خدا، افراد کر و لالی هستند که اندیشه نمی‌کنند. (انفال/ ۲۲)

پلیدی را بر کسانی قرار می‌دهد که نمی‌اندیشند

يَجْعَلُ الرَّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يُعْقِلُونَ

(خدا) پلیدی (کفر و گناه) را بر کسانی قرار می‌دهد که نمی‌اندیشند. (یونس/ ۱۰۰)

هر روز بیندیش

حضرت امام خمینی رحمت‌الله‌علیه اولین گام در راه مبارزه و جهاد با نفس و دوری از گناهان را، تفکر دانسته و در این باره چنین می‌فرماید:

«بدان که اوّل شرط مجاهده با نفس و حرکت به جانب حق تعالی «تفکر» است. و تفکر در این مقام (مقام ترک گناهان) عبارت است از آن‌که انسان لااقل در هر شب و روزی مقداری - ولو کم هم باشد - فکر کند در این‌که آیا مولای او که او را در این دنیا آورده و تمام اسباب آسایش و راحتی را از برای او فراهم کرده، و بدن سالم و قوای صحیحه، که هر یک دارای منافی است که عقل هر کس را حیران می‌کند، به او عنایت کرده، و این همه بسط بساط نعمت و رحمت کرده، و از طرفی هم این همه انبیاء فرستاده، و کتاب‌ها نازل کرده و راهنمایی‌ها نموده و دعوت‌ها کرده، آیا وظیفه ما با این مولای مالک‌الملوک چیست؟ آیا تمام این بساط فقط برای همین حیات حیوانی و اداره کردن شهوت است که با تمام حیوانات شریک هستیم، یا مقصود دیگری در کار است؟ آیا انبیاء کرام و اولیاء معظم و حکمای بزرگ و علمای هر ملت که مردم را دعوت به قانون عقل و شرع می‌کردند و آن‌ها را از شهوات حیوانی و از این دنیای فانی پرهیز می‌دادند با آن‌ها دشمنی داشتند و دارند، یا راه صلاح ما بیچاره‌های فرو رفته در شهوات را مثل ما نمی‌دانستند؟

اگر انسان عاقل لحظه‌ای فکر کند می‌فهمد که مقصود از این بساط چیز دیگر است، و منظور از این خلقت عالم بالا و بزرگ‌تری است، و این حیات حیوانی مقصود بالذات نیست. و انسان عاقل باید در فکر خودش باشد، و به حال بیچارگی خودش رحم کند و با خود خطاب کند: ای نفس شقی که سال‌های دراز در پی شهوات عمر خود را صرف کردی و چیزی جز حسرت نصیبت نشد، خوب است قدری به حال خود رحم کنی، از مالک‌الملوک حیا کنی، و قدری در راه مقصود اصلی قدم زنی، که آن موجب حیات همیشگی و سعادت دائمی است، و سعادت همیشگی را مفروش به شهوات چند روزه فانی، که آن هم به دست نمی‌آید حتی با زحمات‌های طاقت فرسا.

قدری فکر کن در حال اهل دنیا از سابقین تا این زمان که می‌بینی.

ملاحظه کن زحمات‌های آن‌ها و رنج‌های آن‌ها در مقابل راحتی آن‌ها چه قدر زیادتر و بالاتر است، در صورتی که برای هر کس هم راحتی و خوشی پیدا نمی‌شود. آن انسانی که در صورت انسان و از جنود (سپاه) شیطان است و از طرف او مبعوث (برانگیخته) است و تو را دعوت به شهوات می‌کند و می‌گوید زندگانی مادی را باید تأمین کرد، قدری در حال خود او تأمل کن، و قدری او را استنطاق (به سخن وادار) کن ببین آیا خودش از وضعیت راضی است؟ یا آن‌که خودش مبتلا است (و) می‌خواهد بیچاره دیگری را هم مبتلا کند؟

و در هر حال از خدای خود با عجز و زاری تمنا کن که تو را آشنا کند به وظایف خودت که باید منظور شود ما بین تو و او. و امید است این تفکر که به قصد مجاهده با شیطان و نفس اماره است، راه دیگری برای تو بنمایاند و موفق شوی به منزل دیگر از مجاهده.»

(چهل حدیث، ص ۷۰)